

نوستر آداموس فارسی –سانتوری 2

II 1

Vers Aquitaine par insults Britaniques

Et par eux memes grandes incursions

Pluyes, geles feront terroirs iniques

Port Selin fortes fera invasions.

در جهت برداشت و استنتاج غیر منطقی و غفلت از تعقل بوسیله هجوم مردمان نقاشی شده،
و هتک حریم بوسیله کسانیکه شبیه بزرگان میشوند،
بارش حس که ثابت شدن حق آنها را در بر دارد نشانه های آرایش یافته بیدادگر را میسازند،
باب ماه قدرتمندانه حمله ور میشود.

II 2

La teste bleuë fera la teste blanche

Autant de mal que France à fait leur bien,

Mort à l'anthe, grand pendu sur la branche,

Quand des prins siens le Roy dira combien.

II-2

رای و اندیشه خام و مبتدی کامل وتابان می شود،

قبل از اینکه مرد روراست در بدی که برای آنها خوش است افتاده شود،

مرگ از طریق یکی از شاخه های افکار او را پژمرده و فرونشسته می کند،

وقتی که وابستگان و فامیل فرو گرفته میشوند و پادشاه می گوید مگرچند نفرند؟

{دجال برای اینکه طرح و رای اولیه و خام مهدی راجع به کتب آسمانی و برگزیدگی اش تبدیل به طرحی راست در آمده و برتر و درخشان نشود تحت عنوان یکی از شاخه های غیبت ، وابستگان او را در مرگ فرو می گیرد تا با این گروگان گیری مانع اوشود و ممهدیکه اخبار به گوشش می رسد و گمانش بر اینگونگی انگیخته میشود می گوید آیا آنها چند نفرند که این مرگهاشامل آنها میشود. این روشی است از طریق دجال تا او سکوت کند و ببرد او را داخل طرح بدی که برای دیگران خوشایند است.}

Il 3

Pour la chaleur solaire sus la mer

De Negrepont les poissons demy cuits,

Les habitants les viendront entamer

Quand Rod & Gennes leur faudra le biscuit.

بخاطر گرمای تهمت و راندن همدیگر تحت محیط استنتاجات غیر منطقی و غیر عقلانی،

از طریق پل تاریک و مبهم ، دور صید پلکیدن برای شکارش نیم رس می شود،

کسانیکه آرام و ساکن بودند هم شروع به وارد شدن به این موضوع می کنند،

وقتیکه گردآوری شده ها از نشانه (کتاب خدا) که مایه قدرت است و موجود ناپیدا باعث ناکام شدنشان در تولیدی که به مانند کوچه گرما داده اند ولی برشته نشده میشود.

Il 4

Depuis Monech iusqu'au pres de Sicile

Toute la plage demourra desolee,

Il n'y aura faux-bourgs, Cité ne Ville

Que par Barbare pillée & vollee.

از آبرومند شدن تا نزدیک به محصول چیدن،

همه نقاط مورد خواست در عدم تعقل و منطق محزون بر جا می ماند،

نه بازار نمایشی نه پاداش طبق قانون نه پرچم و بادبانی نخواهد بود،

جز اینکه بوسیله وحشیها غارت و مورد هدف واقع میشود.

Il 5

Quand dans poisson fer & lettre enfermee

Hors sortira qui pis fera la guerre,

Aura par mer sa classe bien ramee

Apparoissant pres de Latine terre.

وقتی چیدمان چینه کلام الهی و کلمات بسته شده به دور شکار پلکیدن،

کسیکه بدترین عمل در جنگیدن را دارد از آن خارج می شود،

بوسیله محیط غیرمنطقی و غیر عقلانی کشتی اش پارو زده می شود،

ظاهر میشود در نزدیکی لوح نگارین دروغهای نهانی.

II 6

Aupres des portes & dedans deux citez
Seront deux fleaux onc n'apperceu vn tel,
Faim dedans peste, de fer hors gens boutez,
Crier secours au grand Dieu immortel.

نزدیک به باب ها و داخل دو قانون پاداش و مجازات،
دو جریان روشن به جریان می افتد که تاکنون اینچنین ظاهر نشده بود،
اشتیاق درون از طعنه زندگی ناشی از ردیف کنندگی این گروهها بعقب رانده شده غروب می کند ،
سرایش یاری خواستن از خداوند بزرگ جاودانی .

II 7

Entre plusieurs aux isles deportees,
L'vn estre nay à deux dents en la gorge
Mourront de faim, les arbres esbroutees
Pour eux neuf Roy nouuel edit leur forge.

درون چند تهمت و سخنچینی حمل می شود،
از یکی اشان فرمی پیشگیرانه زاده میشود در تکمیل شدن،
بخاطر گرسنگی و اشتیاق خواهند مرد، مشاجره عریان و تمیز شده،
برای اینکه پادشاه جدید یک اساسنامه جدید برای بنا کردن ارائه داده.

II 8

Temples sacrez prime façon Romaine,
Reletteront les goffes fondemens,
Prenant leurs loix premieres & humaines
Chassant, non tout, des saints les cultemens.

II-8

معابد مذهبی سیمای معابد رومی را به خود اختصاص می دهند،
گافهای اساسی آیشان را رد کرده انکار می کنند،
برای آنها جذابیت و به خود مشغول داشتگی ، همان قوانین و انسانهای پیشین و اولیه هستند،
نه همه ولی تعقیب برای شکار می کنند پرستش آبرومندان و هدایتگرانه مقدسین را.

II 9

Neuf ans le regne le maigre en paix tiendra
Puis il cherra en soif si sanguinaire
Pour luy grand peuple sans foy & loy mourra,
Tué par vn beaucoup plus debonnaire.

II-9

مرد ضعیف قلمرو را در رگه جدید در صلح نگاه می دارد،
سپس عزیز می دارد در تشنگی راهی چنین رنگین را،
بخاطر خودش مردم زیادی بی ایمان و بی قانون می میرند،
خاموش می شود بوسیله یک راه خیلی خوش طبیعت و شاد.

Il 10

Auant long temps le tout sera rangé
Nous esperons vn siecle bien senestre,
L'estat des masques & des seule bien changé
Peu trouueront qu'à son rang vueillent ester

Il-10

از خیلی مدتها قبل همه برنامه ریخته شده بود،
ما دوران کاملاً شیطانی و پلیدی را انتظار می کشیم،
وضعیت ماسکها و افراد یگانه کاملاً تغییر یافته، {یعنی مهدی مشخص شده دجال هم ماسکش کنار رفته}
کمتر کسی را می توان یافت که بخواهد از دسته او (مهدی) باشد.

Il 11

Le prochain fils de l'ANICR paruiendra
Tant esleué iufqu'au regne des Forts.
Son affpre gloire vn chacun la craindra :
Mais fes enfans du regne iettez hours.

سازه نیک بعدی در دوران پرسالی حاصل میشود،
بسیار بالا تا حکومت بزرگان،
آوازه و افتخار خشن او باعث ترس هرکس است،
اما زاده هایشان از قلمرو بیرون انداخته می شود.

II 12

Yeus clos ouverts d'antique fantasie

L'habit des seules seront mis à néant :

Le grand monarque chatira leur frenaisie

Ravir des temples le thresor par devant.

II-12

چشمان بسته باز میشود به باورهای کهن،

شمائل و هیئت افراد یگانه (مهدی موعود و دجال) در غیر از این بودگی قرار می گیرد،

فرمانروای یگانه شوریدگی آنها را اصلاح و باز می گرداند به حقیقت راستین،

قاپیدن ذخیره های پیشینیان بوسیله معابد.

II 13

Le corps sans ame plus n'estre en sacrifice,

jour de mort mis en nativité

L'esprit divin fera l'ame felice

Voyant le verbe en son eternité.

II-13

جسم خالی از جان بیش از این در قربانیگری باقی نمی ماند،

نمایه هماهنگ ایماء مرگ ، در تولد قرار گرفته،

روح ملکوت به جان سعادت می دهد،

دیدن کلمه در جاودانگی اش.

II 14

A Tours, Gien, gardé seront yeux penetrans,
Descouvriront de loing la grand'seraine,
Elle & sa suite au port seront entrans,
Combats, poussez, puissance souveraine.

II-14

در معنی دیگر یافتن (کلمه) موجود ناپیدا گارد گذاشته چشمها تیزبین می شوند،
آنها برایشان دور از حقیقت، مکشوف میشود درآرامش و خاطر جمعی بزرگ،
آن دختر با همراهانش وارد سخنچینی و غیبت میشوند،
جنگهارا هل دادن به سرور توانمند.

II 15

Vn peu deuant monarque truccé,
Castor Pollux en nef, astre crinite,
L'erain public par terre & mer vuidé,
Pise, ast, Ferrare, Turin, terre interdict.

کمی پیش از آنکه پادشاه موقتا از ایستادن بازنشاندن شود،
حمایتگران خیال در کشتی حس و درک انجام شدن در موعد ،
ذخیره عمومی بوسیله نشانه های آرایشگرو محیط عدم تعقل خالی میشود،
ردیف کردن ، پوست کندن و نمایان ساختن ، جامه تن خود ساختن و پوشیدن رازهای نهانی ، آیات و نشانه
هایی که دور هم آرای می گیرند سزاوار وحق میشوند ممنوع می شود.

Il 16

Naples, Palerme, Sicile, Syracuses,
Nouveaux tyrans, fulgures, feux celestes
Forces de Londres, Gands, Bruxelles & Suses,
Grand hecatombe, trumphe, faire festes.

قانون جدید جایزه ، محل همیشه مناسب برای فرو آمدن، محل میوه دهندگی سریع میوه های پرآب ، بد
حال کردن (امام) .

مستبدهای ستمگر جدید ، برق زدن و بختا روشن کردنهای موجود آسمانی دروغین ،
نیروهای وحشیها ، پروردن پست و کوچک کردن (امام را)، بنا ی باتلاق سیاه و بررسی و شکل دادن
قتل عام بزرگ برایشان پیروزی است و جشن می گیرند.

Il 17

Le camp du temple de la vierge vestale,
Non esloigné d'Ethene & monts Pyrenées :
Le grand conduit est caché dans la male,
North, getez, fleuues, & vignes mastinees.

کمپ معبد دوشیزه پاکدامن ،
نه دور از آسمان بی لکه آبی و علامت در سکوت ،
هدایت بزرگی مخفی است در بی نرینگی ،
شمائل و مشتاقانه چشم دوختن و منتظر ماندن ، روشناییها و بازی تئاتری سخنچینی.

Il 18

Nouvelle & pluie subite, impetueuse
Empeshera subit deux exercices,
Pierre, ciel, feux faire la mer pierreuse
La mort de sept, terre & marin subites.

خبر تازه و بارش ناگهانی ، تند و بی پروا،
دو اقدام ناگهانی را آهار می زند،
طلا ، طرح شناختی ، نشانه ها تفکر غیر عقلانی و غیرمنطقی را طلایی می کند،
مرگ کلام ظاهر متفاوت ، نشانه های آرایش دهنده حق . و استنتاجات غیرمنطقی برانگیزاننده ناگهانی.

Il 19

Nouveau venus lieu basti sans defense,
Occuper place alors inhabitable.
Prez, maisons, champs, villes prendre à plaisance.
Faim, peste, guerre. arpen long labourable.

مظهر زیبایی نو در محیطی ساخته شده بدون دفاع ،
مشغولیت و دست بکار شدن در موقعیت آنرا قابل سکونت می کند،
راست و تنظیم کردن ، طرح را پروردن ، دسته ها ، پرچمها را با لذت برمی گیرند،
اشتیاق ، طعنه ، ستیز . در سنگرکمین کردن طولانی زحمت دار.

{ مهدی موعود وقتی در راهی است که بعنوان مهدی موعود شناخته می شود مانند مظهر زیبایی تمام و کمال بطور نو می
باشد ولی بدون دفاع است ولی مشغولیت در این راه آنرا قابل سکونت می کند راست و تنظیم می کند و طرح را می پرورد
ولی دسته ها پرچم خود را در مسیری دیگر که با فعالیت مهدی گشوده شده با لذت بر می دارند چون آن مسیر که با تائید

دجال باشد لذت دارد او در سنگر بطور طولانی می ماند زحمت برانگیز و برای دسته ایی اشتیاق در بر دارد و برای
{ گروهی طعنه . }

II 20

Freres & sœurs en divers lieux captifs,
Se trouveront passer pres du Monarque,
Les contempler ses rameaux ententifs,
Desplaisant voir menton, frond, nez les marques.

کسانیکه در جستجو برای منفعت خودند و مشابه شوندگان، در جبهه مخالف اسیرند،
خود را میابند که از معقول و نظریه پادشاه یگانه مردود می شوند،
مشاهده کنندگان با دقت شاخه های آهنگ ایجاد شونده را زیر نظر دارند،
ناخشنود از دیدن علامات فک و پیشانی و بینی .

II 21

L'ambassadeur enuoyé par Byremes,
A my-chemin d'incogneus repoussez,
De tel renfort viendront quatre triremes,
Cordes & chaines en Negrepoint troussiez.

پیام آور فرستاده شده با قایق کوچک پارویی ،
در نیمه راه بعثت نارسایی در شناخت و فهم واضح دادن واپس رانده می شود،
در چنین وضعیتی ، کشتیهای ممانعت گر جنگی بزرگ (وضع سابق را) تقویت و استوار می کنند،
طنابها و زنجیرها در پل تاریک و ناواضح طناب پیچی می کنند.

Il 22

Le camp Aso, d'Eurotte partira,
S'adioignant proche de l'isle submergee,
D'Arton classe phalange pliera.
Nombril du monde plus grand voix subroges.

کمپ سخت و خوددار از ایده غیر قابل تغییر دست برمی دارد،
در جنب آن نزدیک میشود به غرق در سخنچینی ،
از کشتی طلایی حس و درکی تازه میشود،
رمز تقدیر جادویی صدای بلندتری است که جانشین می شود

Il 23

Palais oyseaux, par oyseau dechassé,
Bien tost apres le prince paruenue,
Combien qu'hors fleuve ennemy repoussé,
Dehors saisi trait d'oyseau soustenu.

فال و سرنوشت در وضوح و صراحت برگزیدگی ، توسط فال و سرنوشت برکنار می شود،
خیلی زود بعد از اینکه شاهزاده نائل به برگزیدگی میشود،
تا چه اندازه دشمنان خارج از روشنائی تابناک واپس می زنند!
به بیرون قاپیدن نشان ویژه فال و سرنوشت حمایت می شود.

Il 24

Bestes farouches de faim fleuves tranner,
Plus part du camp encontre Hisser sera,
En cage de fer le grand fera trainer,
Qunad Rin enfant Germain observera.

حیوانات دارای حس کینه و عصبانیت عمیق از گرسنگی، جریان روشن را به طرف خود می کشند،
قسمت اعظم کمپ رویاروی افراشتن قرار می گیرند،
بزرگمرد، در قفس نشانه های ردیف شده برایش، اذهان را با خود می کشد
وقتی هیچ زاده بالانس و متعادل خوبی مشاهده نمی کند.

Il 25

La garde estrange trahyra forteresse,
Espoir & ombre du plus haut mariage,
Garde deceue, fort prinse dans la presse,
Loyre, Son, Rosne, Gar, à mort outragez.

محافظ خارجی به استحکامات خیانت می کند،
امید و شبح داشتن رنگ والاتر،
فریب محافظ، دژ را تحت فشار می گذارد،
لجن شدن، کوچک شدن، حس خشم آوری، در اجبار قرار دادن، هتک حرمت شدن با مرگ.

Il 26

Pour la faveur que la cité fera,
Au grand qui tost perdra champ de bataille
Puis le rang Pau, Thesin versera
De sang, feux, morts, noyez, de coups de taille.

بخاطر لطف و مساعدتی که قانون بازی و جایزه می سازد،
در جهت عملکرد بزرگمردی که زود کمپ نبرد را از دست می دهد،
و بعد در دسته و درجه پایین ، نظر غیر محکم ادا کننده خود را ساطع می کند،
از رنگ و رای و نشان می میرد ، غرق می شود در نواختن تعیین اندازه و ارزش (توسط حس دجال) .

Il 27

Le divin verbe sera du ciel frappé
Qui ne pourra proceder plus avant,
Du reserant le secret estoupé
Qu'on marchera par dessus & devant.

Il-27

کلام خدا از طرح شاخصی پایمال می شود،
بطوریکه دیگر نمی تواند بیش از این پیش برود،
از آشکار سازی ، راز خاصی همراه آن یدک کشیده می شود،
آنچه باعث می شود آنها به طرف چیزی دیگر و دور از آن گام بردارند .

II 28

Le penultième du surnom du Prophete

Prendra Diane pour son iour & repos.

LOIN vaguera par ferentique teste,

En delivrant un grand peuple d'impos.

II-28

اوکه اسم رمز پیامبر ماقبل آخر را دارد ،

توصیف روشن کلام خدا را بعنوان نمایه ایماء هماهنگش بر می گیرد،

دور از آن مبهم و سرگشته میشود بوسیله کسانی که مغزشان تحت تاثیر اشتیاق و هیجان است،

در تسلیم و تن دادن مردم بسیاری به اجبار و تحمیل و به زور چپاندان .

II 29

L'oriental sortira de son siege,

Passer les monts Apennins, voir la Gaule,

Transpercera du ciel les eaux & neiges

En vn chacun frappera de sa gaule.

مرد شرقی از بست نشینی خود خارج خواهد شد،

عبور از قالب اوج ، دیدار فرانسه،

طرح شناسه دار و مفاهیم و اثباتها را سوراخ کرده و خواهد گذشت،

جمع آوری هر کس را ضربه زده پایمال خواهد کرد.

II 30

un qui les dieux d'Annibal infernaux
Fera renaistre effrayeur des humains
Oncq plus d'horreur, ne plus pire journaux
Qu'advint viendra par Babel aux Romains.

II-30

یک زمانیکه خدایان دروغین جهنمی ،
زنده میسازند وحشت را برای بشریت ،
هرگز هراس بدتر از نوشته های ایماء دارنده نیست،
بطوریکه ظهور موعود میاید از باب خدایان برای آنها که مهر داشتند.

II 31

En campagne Cassilin fera tant
Qu'on ne verra que d'eau les champs couverts
Devant, apres, la pluye de long temps
Hors mis les arbres rien l'on verra de vert.

II-32

در کشاکش نبرد ، مرد خدا و اخلاق چه ها که می کند،
آنچه او نمی بیند ، این است که جوهر معنا و مفهوم گروهها را پوشانده است ،
جلو رو ، بعد از بارشی طولانی مدت ،
بیرون از محیط او ، سبزه ای برای درختان نمی گذارد دیده شود.

II 32

Laict, sang, grenoüilles escondre en Dalmatie

Conflit donné, peste preste, de baleine

Cry sera grand par toute Esclauonie,

Lors naistra monstre pres & dedans Ravenne.

خواسته ها - رنگ - چندی ، چوپان را پنهان می سازد،

امر ستیز و کشمکش داده شده است ، طعنه زدن سریع و چالاک است از احساس طعمه شکارچی بودن که دورشان می پلکد .

فریاد زاری بزرگ میشود در همه حیطه برده داری ،

مادامیکه هیولا زاده میشود نزدیک و درون کلام غریب و ناآشنا.

II 33

Par le torrent qui descend de Veronne,

Par lors qu'au Pol guindera son entree,

Vn grand naufrage, & non moins en Garonne

Quand ceux de Gennes marcheront leur contree,

در میان گردبادی که پایین می آورد تصویر حقیقت را،

مادامیکه او با قطب بالا می برد اصالت و حق داخل موضوع بودن خود را،

یک به گل نشستن کشتی و نه کمتر از رودخانه سنگی ،

زمانیکه کسانیکه وابسته به موجود ناپیدا (جن) هستند برخلاف و تضاد گام بر می دارند.

Il 34

L'ire insensée du combat furieux,
Fera à table par freres le fer luyre,
Les departir mort blesse curieux,
Le fier duelle viendra en France nuire.

غیظ بی معنی و نابجای جنگی خشمگینانه ،
باعث میشود کسانی که قصد خاصی برای خود دارند چیدمان را در جدول تابان کنند،
یکسره دور شدن مرگی است که مشتاقانه تبرک می کند،
دوئل مغرورانه در فرانسه باعث آسیب و خاریا شدن می شود.

Il 35

Dans deux logis de nuict le feu prendra,
Plusieurs dedans etouffez & rostis,
Pres de deux fleuves pour seur il adviendra
Sol, l'Arc & Caper, tous seront amortis.

در دو جوشش و مهمیز از برچسبیده شدن مفاهیم رای و حکم قرار می گیرد،
تعدادی ساپرس می شوند و گداخته ،
نزد دو جریان روشن برای متهم کردن میاید،
الهه زر، اندازه کردن طبق قیاس ، جست و خیز ، همه بتدریج کاهش میابند تا تمام می شوند.

II 36

Du grand Prophete les lettres seront prises
Entre les mains du tyran deuiendront,
Frauder son Roy seront les enterprises,
Mais ses rapines bien tost le troubleront.

II-36

نامه ها از پیامبر بزرگ دریافت میشود،
در سوی انعام و احسان برای دیکتاتور دگرگون میشوند،
فریب راجع به پادشاهش ، یک امر سازمانی میشود،
ولی دستبردهایشان برای او زحمت ساز می شود.

II 37

De ce grand nombre que l'on enuoyera
Pour secourir dans le fort assiegez,
Peste & famine tous les deux deuorera,
Hors mis septante qui seront profligez.

از این شمار زیادی که ارسال می کند،
برای امنیت دادن درون دژ محاصره ،
طعنه و اشتیاق همه پیشگیری ها را می خورد،
بیرون ، دروغ و سخنجینیها جایگیر گردانده می شود بطوریکه پروفایل و مشخصات می شوند.

II 38

Des condamnez sera fait un grand nombre.

Quand les Monarques seront conciliez :

Mais l'un d'eux viendra si mal encombre,

Que guerre ensemble ne seront rallies.

II-38

ندامت و محکوم کردن با شمار بزرگی انجام می شود،
وقتی احوال فرمانروایان مطلق مطالعه می شود،
اما یکی از آنها با چنان به زور چپاندن در مغز آنها میاید،
که ردیف شدن اجزاء ترکیب منازعه قابل تشخیص نمیشود.

محکوم کردن با شمار بزرگی انجام میشود،
وقتی احوال فرمانروایان مطلق مطالعه میشود (در احادیث)
اما یکی از آنها با چنان بد جلوگیری و سختی نشان دادن میاید،
که گرد آمدن و اتحاد با ردیف شدن اجزاء و زوایای مبارزه انجام نمی شود.

II 39

Vn an deuant le conflit Italique

Germain, Gaulois, Espagnols pour le fort,

Cherra l'escolle maison de republique,

Ou, hors mis peu, seront suffoquez morts.

یک سال قبل از نزاع وابستگان نشانه ها،
سرتا پا حقیقت و زیبایی خواهان ، ماهیگیران با قلاب ، آفتاب پرستان ، برای بدست آوردن دژ محکم،

او عزیز خواهد داشت تاسیس آموزش طرح طراحی شده (طرح خدا) به عموم مردم،
جایی که او کوچک می شود، مرگ آنها را ساپرس کرده خفه خون می گیرند.

II 40

Vn peu apres non point longue intervalle
Par mer & terre sera fait grand tumulte,
Beaucoup plus grande sera pugne navale,
Feux, animaux, qui plus feront d'insulte.

کمی بعد از یک دوره بینابین بی اتفاق خاص و بی نظری،
بوسیله تفکر غیر منطقی و نشانه هایی که در آرایش گرفتن افراد را زیبا میسازند آشوب بزرگی بپا می شود،
خیلی بزرگتر مشت کشتی جنگی میباشد،
رای و نشان، حیواناتی که بیشترین عامل هجوم می باشند.

II 41

La grand, estoille par sept iours bruslera.
Nuë fera deux Soleils apparoir,
Le gros mastin toute nuict hurlera,
Quand grand pontife changera de terroir.

انجام شدن در موعد مقرر بزرگ در نمایه های ایماء دروغ و سخنچینی می سوزد،
ابر مانع و جلوگیر شمس ظاهر می شود،
دمیدن فهم و درک با تمام چسبیدگی اش به اتفاقات نعره می زند،
وقتی جانشین شونده بزرگ اقلیم خشک را عوض می کند.

II 42

Coq, chiens, & chats, de sang seront repeus,
Et de la playe du tyrant trouué mort :
Au lict d'un autre jambes & bras rompus,
Qui n'avoit peu mourir de cruelle mort.

حس گرمی و ملاطفت ، مهمیز و طغیان و سهم خواهی، از رنگ خیس می خورد،
و از زخم دیکتاتور مرگ پیدا شده است،
در بستره دیگر ، پیشی گرفتن و کمک در هم شکسته ،
کسیکه کمترین مرگی از نظر مرگ آسیب رسان نداشت.

II 43

Durant l'estoille cheueluë apparente,
Les trois grands Princes seront faits ennemys,
Frappez du ciel paix terre trembulente,
pau, Tymbre, undans, serpens sur le bord mis.

II-43

در طی آشکارایی حس انجام در زمان موعود،
سه مورد عمده که نامزد برنده شدن هستند دشمنان می شوند،
طرح شاخص خاصی صلح و آرامش را لگد مال می کند و نشانه های آرایش گرفته را می جنباند،
شیطان در افق قرار می دهد خوردن ، خل و چل بودن ، شپشو بودن را.

II 44

L'aigle posee entour des pavillons,
Par autres oyseaux d'entour sera chassee,
Quand bruit des cymbres, tubes et sonnaillons
Rendront le sens de la Dame insensee.

II-44

معنای جدید نامالوف دورتا دور پرچمها جاگذاری می شود،
بوسیله سرنوشت‌های دیگری که اطرافش هست تعقیب می شود،
وقتی که صدای سنج ها و نی ها و ناقوسها،
عقل را به فرد ناسازگار و پاک غافل باز می گرداند.

II 45

Trop le ciel pleure l'androgen procréé
Pres de ce ciel sang humain respandu,
Par mort trop tarde grand peuple recreé,
Tard & tost vient le secours attendu.

II-45

طرح شاخص برای خلق صفت مردانگی بسیار سرائیده شده،
نزدیک همین طرح شاخص رنگ انسانی منتشر و گسترده شده،
بر اثر مرگ خیلی دیر بسیاری مردم بازآفرینی شده اند،
دیر یا زود یاری وعده داده شده او میاید.

II 46

Après grâd trouble humain plus grâd s'appreste,
Le grand moteur les siecles renouuelle,
Pluye, sang, laict, famine, feu & peste :
Au ciel veu feu, courant longue estincelle.

بعد از سختیهای زیاد برای بشریت سختی بزرگتر آماده و مهیا و مناسب سازی آنهاست،
موتور بزرگ، پیوست کردنهای نو سازی است ،
سرایش ، رنگ زیبای و زشتی ، حاجت و آرزو، اشتیاق و گرسنگی ، نشان و رای و طعنه زنی،
در طرح شناسه دار خاصی رای و نشان دیده می شود، جرقه و مقدمه جریان طولانی می شود.

II 47

L'ennemy grand vieil dueil meurt de poison
Les souverains par infinis subiuguez,
Pierres plouuoir cachez soubs la toyson,
Par mort articles en vain sont alleguez

II-47

پیرمرد بزرگ دشمن برای اهریمن ، بر اثر سم می میرد،
نیروی برتر، با ارائه بی نهایت ، تحت انقیاد در میاورد،
بارش طلایی انحرافات را پنهان می سازد،
مدارک و مستنداتی که ارائه می شود پوچ شمرده می شوند.

Il 48

La grand coppie qui passera les monts,
Saturne en l'Arc tournant du poisson Mars,
Venins chachez sous testes de Saulmons,
Leurs chefs pendus à fil de polemars.

رونوشت بزرگ (برابر با احادیث کردن) خواهد گذشت از قالبها و فرمها ،
مظهر بذر افشانی در اندازه شدن طبق گردونه مقایسه با دور شکار چرخیدن الهه جنگ برای شکار کردن،
مظهر زیبایی پنهان می ماند تحت فکر مربوط به مستها،
مادامیکه رئیسان آویزان رشته جایزه هستند.

Il 49

Les conseillers du premier monopole,
Les conquerans seduits par le Melite,
Rhodes, Bisance pour leur exposant pole,
Terre faudra les poursuivants de fuite.

وعظ و اندرز یگانه تکتاز برتر،
فاتحان با نظامیگری و ستیز اغوا می کنند،
الهه سپید بحر ، طنین غیبت و سخنچینی برای نمایش درآوردن پایه قدرت و صیدشان،
نشانه هایی که وقتی دور هم جمع می شوند زیبا نشان می دهند باید برای تعقیب و شکار توسط کسانی
باشد که از ناراحتی فرار می کنند.

II 50

Quand ceux d'Hinault, Do, Gand & de Bruxelles

Verront à Langres le siege devant mis,

Derriere leurs flancs seront guerres cruelles,

La pluie antique, fera pis qu'ennemys.

وقتی آنها که وابسته به سخنچینی و غیبت که شامل موارد مذهبی میباشد هستند و انجام را می خواهند و تو
دل برو و لطیف است و باتلاق سیاه ،

می بینند در جهت تغییراتی که محاصره جلو رو قرار می دهد،

پشت سر جبهه آنها جنگی بیرحمانه میباشد،

بارشهای گرانبها و ارزشمدار بدتر از دشمنان عمل می کند.

II 51

Le sang du iuste à Londres fera faute,

Bruslez par foudres de vingt trois les six,

La dame antique cherra de place haute,

De mesme secte plusieurs seront occis.

رنگ عدالت در مورد کسیکه مشخصات سروری و آقایی را قطعاً دارد کوتاهی می کند،

باتلاق سیاه با برق زدنهای قضاوت خرافی عمل عیب رویشان،

فرد پاک ناسازگار(با قوانین دجال) از بلندا فروکش می کند،

از دسته ویژه ای چندین نفر بازشکافی و نمایانده می شوند.

II 52

Dans plusieurs nuicts la terre tremblera,
Sur le printemps deux efforts feront suite,
Corinthe, Ephese aux deux mers nagera,
Guerre s'esmeut par deux vailants de luitte.

در پی چند اتفاق که معناهایی به آن چسبیده ، نشانه های تزئین کننده به لرزش در میایند،
در وقت بهاران ، دو تلاش بدنبال میاید،
قوام یافتن ، اقدام بعدی ، در جهت دو استنتاج غیر منطقی بارش اثبات حق صورت می گیرد،
جنگ شروع به چرخیدن و تهییج می کند بوسیله دو بادبان درخشان .

II 53

La grande peste de cité maritime
Ne cessera que mort ne soit vengée :
Du iuste sang par pris damne sans crime,
De la grand' dame par fainte n'outragée.

نوسترآداموس-II-53

توهین بزرگ از جانب بازی با قواعد غیر منطقی و بیعقلانه ،
فرو نمی نشیند تا انتقام مرگ(مرگ خدایی دجال)، از رنگ عادلانه گرفته نشده،
با گرفتار محکومیت و ندامت کردن فرد بیگناه بی هیچ جرمی ،
از جانب مهره وزیر شطرنج ، با پنهان داشتن از او ، از کوره در رفتنی نیست .

II 54

Par gent estrange, & de Romains loingtaine,
Leur grand cité apres eau fort troublee :
Fille sans main, trop different domaine,
Prins, chef terreure n'auoit este riblee.

بوسیله دسته جات غریبه ، و دور از ترمیم و بهبودی،
قانون پاداش بزرگ آنها پس از فشار جوهر معنا و مفهوم به زحمت می افتد،
جستجوی اخباری که هیچ حس خوشایند و انعام ندارد ، دامنه بسیار متفاوت ،
طبق مآخذ اقتباس می شود ، ولی رئیس وحشت به عنوان صحیح برگزیده.

II 55

Dans le conflit le grand qui peu valloit
A son dernier fera cas merveilleux :
Pendant qu'Hadrie verra ce qu'il falloir,
Dans le banquet pongnale l'orgueilleux.

نوسترا داموس-II-55

درون کشمکش ، مردی بزرگ که کم بها داده می شود،
در دنباله انتهای خود امر شگفت انگیز و عالی را انجام می رساند،
مادامیکه در درازای زمان فرد تاریک اینطور می بیند که بعید است و نباید بشود،
در یک امر اضافه شده به آن به فرد بخود بالنده و متکبر طعن وارد می شود.

Il 56

Que peste & glaiue n'a peu s'en definir,
Mort dans le puys sommet du ciel frappé,
L'abbé mourra quand verra ruyner
Ceux du naufrage, l'escueil voulant grapper.

کسیکه طعن و شمشیر نمی داند چگونه او را محدود کند ،
مرگ درون اوج طرح شناسه دار خاص ضربه می خورد،
راهب اعظم می میرد وقتی ویران ساختن را می بیند،
آنها که کشتی شکسته هستند آرزو دارند صخره دریایی سد کند.

Il 57

Avant conflit le grand mur tombera,
Le grand à mort, mort trop subite & plainte
Nef imparfaict : la plus part nagera,
Aupres du fleuve de sang la terre tainte.

پیشاپیش کشمکش دیوار بزرگ فرو می ریزد،
بزرگمرد در مرگ قرار می گیرد ، مرگی ناگهانی و افترا آمیز،
کشتی نقص پیدا می کند ، قسمت اعظم شناور می ماند،
نزد جریان روشن ، نشانه هایی که گرد هم آرایش گرفته اند از رنگ لکه دار می شوند.

II 58

Sans pied ne main dent aiguë & forte
Par globe au fort de porc & l'aisné nay,
Pres du portail desloyal se transporte,
Silene luyt petit grand emmené.

بدون امتیاز پیشی گرفتن از دیگران و انعام و احسان (برای مردم) با فرم گرفتنی تیز و قوی،
بوسیله جهانیان در دژ محصور با نگاه گوشه چشم به سرنوشت و نخست زاد (نخست زاد بودن این
سرنوشت) زاده میشود،
نزد نگاه با گوشه چشم به سرنوشت بطور غیر صادقانه و بی وفایانه منتقلش می کنند،
الهه جنگل (سخنچینی و غیبت) در برون راندن بزرگ مرد کوچک می درخشد،

II 59

Classe Gauloise par appui de grand'garde,
Du grand Neptune, & ses tridens soldats,
Rongee prouence pour soustenir grand'bande,
Plus Mars Narbon par iauelots & dards.

کلاس صید با قلاب با دلگرمی به پشتیبانی گارد بزرگ،
از الهه دریا (بیعقلی و غیرمنطقی) و سربازان سه قلویش ،
آذوقه را می جووند برای نگهداری باند بزرگ،
بیش از الهه ستیز ، کسانیکه به خوش سرانجامی داستان علاقمندند با نیزها و دارت ها.

Il 60

La foy Punique en Orient rompuë,
Gang, lud. & Rosne, Loyre & Tag. changeront,
Quand du mulet la faim sera repuë,
Classe espargie sang & corps nageront.

آهنگ و باور ترسناک در شرق گسسته می شود،
گروه و آوازه و جریان و لجن و آرم چسبیده تغییر می کنند،
وقتی گرسنه و مشتاق از یک امر مخلوط سیر می شود،
کشتی افشاندن رنگ و طرحها در روی آب غوطه ور می ماند.

Il 61

Euge, Tamins, Gironde & la Rochelle,
Osang Troien mort au port de la flesche,
Derriere le fleuve au fort mise l'eschelle,
Pointes feu grand meurtre sus la breche.

آبخور، غربالگری، مامن ، و راشل،
وای رنگ لای گذاشتن اسب تروا، مرگ در باب پیکان ،
پشت جریان روشن در دژ امید و شرط بندی روی مقیاس و نقشه،
نقطه نظر علامت و رای ، نظر می دهد به زیبا خود را نشان دادن با تحمیل به بزرگمرد تحت نارسا شدن
نشان داده شدن شخصیتش.

Il 62

Mabus puis tost alors mourra viendra,
De gens & bestes vne horrible deffaite,
Puis tout à coup la vengeance on verra,
Cent, main, soif, faim, quand courra la comette.

نوسترآداموس-Il-62

روشنگری علمی بعد از مدتی زود خاموش می شود،
برای دستجات و حیوانات وحشی یک مسخ شدن وحشتناک خواهد آمد ،
بعد ، زود در یک لحظه ، کینه جویی و انتقام دیده خواهد شد،
بهم پیوست کردن علائم ، انعام و احسانعطش و اشتیاق ، وقتی متعهد شدن به ارتکاب به جریان می افتد.

Il 63

Gaulois, Ausone, bien peu subiuguera,
Pau, Marne, & Seine fera Perme l'vrie :
Qui le grand mur contre eux dressera,
Du moindre au mur le grand perdra la vie.

Il-63

وابستگان قلاب ماهیگیری ، فرد بزرگ را کاملاً کم و کوچک میسازند،
احمقهای ناشی تحت تاثیر و نفوذ و دیگر وابستگان ، موجی متفاوت از چگونگی میسازند،
که دیوار بزرگ در مقابله با آن شکل داده می شود،
از کوچکی که دیوار ارائه می دهد ، بزرگمرد زندگیش به هدر می رود.

Il 64

Seicher de faim, de soif gent Geneuoise,
Espoir prochain viendra au defaillir,
Sur point tremblant sera loy Gebenoise,
Classe au grand port ne se peut accueillir.

موج اشتیاق و تشنگی مردمانی که می خواهند سرنوشت را منعطف کنند،
امید به مرحله بعد ضعیف می شود،
از نقطه نظر تکان دادن هدف ، قانون بازی، سرنوشت را دادنی و ساختنی نشان خواهد داد،
کلاس در جهت باب و موضوع بزرگ نمی تواند پذیرش و خوش آمدگویی کسب کند.

Il 65

Le parc enclin grande calamité,
Par l'Hesperie & Insubre fera,
Le feu en nef, peste & captiuité,
Mercure en l'arc, Saturne fenera.

گرایش به الهه سرنوشت ضایعه بزرگی میسازد،
با غروب در تاریکی غرب و بلعیده شدن ساختار نیک توسط شیطان انجام میشود،
نشانه و نظر در نقش و نگار شبستان ، طعنه و اسارت،
آب طلا در حال اندازه ساختن نقطه نظر ، مظهر بذریاخی بی جان و رمق است و پژمرده.

Il 66

Par grands dangers le captif eschappé,
Peu de temps grand la fortune changee.
Dans le palais le peuple est attrapé,
Par bon augure la Cité assiegee.

Il-66

اسیر از خطرات بزرگی فرار می کند،
اندک زمانی بعد برای بزرگمرد تغییر به خوش اقبالی پیش میاید،
مردم در امری صریح و واضح گیر می افتند،
قانون بازی سرنوشت با طالع خوب محاصره می شود.

Il 67

La blonde au nez forché viendra commettre
Par le duelle & chassera dehors,
Les exiliez dedans fera remettre
Aux lieux marins commettant les plus forts.

دختر بلوند برای به گردن گرفتن مقابله با کلمه جدید دارای دومعنی ، فرا می رسد،
با دوئل و به خارج می راند ،
دور رانده شده ها را دوباره وارد کرده سر جای خود جایگیر می سازد،
در میدان حساب غیر منطقی و غفلت از تعقل ، حکم و رای دارای بیشترین زور است.

Il 68

De l'Aquilon les efforts seront grands,
Sur l'Ocean sera la porte ouuerte,
Le regne en l'isle sera reintegrand,
Tremblera Londres par voille descouuerte.

برای پوست کندن و نمایان ساختن شمائل تلاشهای بزرگی میشود،
روی گستره بسیار وسیع باب باز می شود،
حکومت روی جزایرا عاده مجدد می شود،
دارا شدن خصوصیات رهبری و سروری با کنار رفتن حجاب به لرزه در می آورد.

Il 69

Le Roy Gaulois par la Celtique dextre
Voyant discorde de la grand Monarchie,
Sur les trois parts fera fleurir son sceptre,
Contre la cappe de la grand Hierarchie.

پادشاه مورد قصد صیادان با قلاب با تراشیدن و حکاکی خوشبختی،
بینا به ناسازگاری حکومت بزرگ یگانه سالار،
بر روی حق را نشان دادن و باطل را نشان دادن ، گردآورده هایش (ازکلام خدا) را شکوفا میکند،
در مقابل شغل سلسله بزرگ بزرگان و شیوخ.

II 70

Le dard du Ciel fera son etenduë,
Morts en parlant grande execution,
La pierre en l'arbre la fiere gent renduë,
Bruit humain monstre, purge expiration.

نیزه طرح شناسه دار خاص دامنه آن را میسازد،
مرگها در سخنرانی ، اجرایی بزرگ ،
طلا در شجره مشاجره باعث میشود افرادی باد در بینی و مفتخر شوند،
هیولای شایع شدن سخنچینی ، باعث ته کشیدن و به سرآمدن پاک شدن از آلودگی میشود.

II 71

Les exiliez en Sicile viendront,
Pour deliurer la gent estrange :
Au point du iour les Celtes luy faudront,
La vie demeure à raison Roy se range.

دور شده ها برای میوه چینی میایند،
برای تحویل دسته بیگانه،
از نقطه نظر ایماء هماهنگ حکاکان در مورد خودش ناموفقند،
زندگی باقی می ماند به این دلیل که پادشاه عملکرد خودش را داشته باشد.

Il 72

Armee Celtique en Italie vexee,
De toutes parts conflit & grande perte,
Romains fuis, ô Gaule repoussé,
Pres du Thesin, Rubicon pugne incerte.

لشگر کننده کاری کنندگان سرنوشت از نشانه هایی که در تامل و تحقیق ظاهر شده می رنجند،
در همه جهت درگیری و هرز دادن و تلف کردن (نتیجه تحقیق و تامل)
کسانیکه بابد رگ مهرشان بجوش میامد فراری میشوند، اوه قلاب ماهیگیری پس زده شده ،
کنار هدیه ساختاری خداوند ، مرز مقابله (با شیطان) بی تحرک و بی رمق است.

Il 73

Au lac Fucin de Benac le rivage,
Prins du Lemman ou port de l'Origuion.
Nay de trois bras predict belliq' image.
Par trois couronnes au grand Endymion.

در کرانه مهر به لاک مرداب سیاه،
طبق ماخذ اقتباس شده از سخنرانیهای مذهبی در باب با گوشه چشم به مطلب جانبی چشم دوختن،
زاده میشود با کمک تمایز دهندگی حق از باطل تصویر پیشگوییهای ضدیت کننده (با دجال)،
با تاج تمایز حق از باطل به اندیمیون بزرگ.
(اندیمیون در افسانه خدایان یونان ،جوان زیبایی بوده که بیشتر عمر خود را خواب مدام سر کرده)

II 74

De Sens, d'Autun viendront iusques au Rosne
Pour passer outre vers les monts Pyrennees
La gent sortir de la marque d'Auconne,
Par terre & mer le suyura à grands trainnées.

از حس فهمیدن شکوه به غر زدن میایند،
برای عبور به سوی دیگر قالبهای رای و نشان در سکوت،
دستجات از مارک هیچکس خارج می شوند،
در میان نشانه های آرایش گرفته و بیعقلی مردم، او مشاهده خود را دنبال می کند در طپیدن و نبض
بزرگ (طپیدن حس و فهمهای دجال).

II 75

La voix ouye de l'insolit oyseau,
Sur le canon du respiral estage :
Si haut viendra de froment le boisseau,
Que l'homme d'homme sera Antropophage.

آواز سرنوشت غریبی شنیده میشود،
طبق مدل ، ظاهر شدگی را فروکش کردن،
جفت و جور و سوار کردن چیزهای بیزاری آور دل زننده چنان بالا آورده می شود،
که بشر توسط بشر آدمخوار می شود.

Il 76

Foudre en Bourgogne fera cas portents,
Que par engin homme ne pourroit faire :
De leur senat sacrifiste fait boyteux,
Fera sçauoir aux ennemis l'affaire,

آذرخش زدن (از طرف دجال) روی والا مقامی (والا مقامی مهدی)، مورد را نامبارک و بدشگون می کند.
چیزیکه به توانایی بشر امکان پذیر نبود،
رای و نظر شورا، فداکاری را لنگ می کند،
ولی معامله در جهت دشمنان، آنها را دانا میسازد.

Il 77

Par arcs, feux, poix & par feu repoussez,
Crys, hurlemens sur la minuict ouys :
Dedans sont mis par les ramparts cassez,
Par cunicule les traditeurs fuis.

با اندازه ای که در قیاس یافت میشود و زیانکار شدن و با حکم (حکم دجال) واپس راندن میاید،
ناله ها و ضجه ها بر روی چیزی که چسبیده به آن است (چسبیده به برگزیدگی مهدی)،
داخل برج و باروی در هم شکسته قرار داده می شوند،
با موج شدید گرما خیانت کنندگان به دین برای نجات خود فرار می کنند.

Il 78

Le grand Neptune du profond de la mer,
De gent bunique & sang Gaulois meslé :
Les isles à sang, pour le tardif ramer,
Plus luy nuyra que l'occult mal celé.

الهه فهم بی منطق و غیر عقلانی در عمق احساسات بی منطق و غیر عقلانی،
گروه دوتایی در شکل واحد و امتزاج و مخلوط کردن رنگ دام انداختن شکار،
تهدمتها بسوی رنگ آمیزی شدن برای پارو زدن بطئی برای رسیدن در دور زمان،
آن بیشتر به خودش آسیب می رسد تا بدی نهان پنهان داشته شده

Il 79

La barbe crepe & noire par engin,
Subjuguera la gent cruelle & fiere :
Vn grand Chyren osterà du longin,
Tous les captifs par Seline baniere.

نوار بازوبند سروری که بوسیله نیروی محرک (حس ماوراءالطبیعه دجال) ملامت بار شده است،
گروه ظالم و باد به بینی انداخته را منکوب می کند،
یک تکمیل شدگی تدریجی علائم از دور، بیرون خواهد راند،
همه تسخیر شدگان در بنر و پرچم حضرت ماه.
ریش=لحی=ملامت شدگی (barbe)
تکامل تدریجی، بدر=(chyren)

ماه (به گویش یونان قدیم) (seline)

Il 80

Après conflit du leffé l'éloquence,

Par peu de temps se tramme faim, repos,

Point on n'admet les grands à deliurance,

Des ennemis sont remis à propos.

Il-80

بعد از ستیزه با مقالات رسا و بامفهوم و بیان تاثیرگذار ،

در مدت کوتاهی گرسنگی بافتن رشته کلام او فروکش می کند،

بزرگان بخاطر رهایی ، سربرآوردن را نمی پذیرند،

دشمنان بازگذاشته و بخشیده می شوند از حرفی که پیشنهاد شده بوده است .

Il 81

Par feu du Ciel la cité pres qu'aduste,

Vrna menasse encor Ceucalion,

Vexee Sardagne par la punique fuste,

Après que Libra lairra son Phaeton.

با نشان و رای طرح نشاندار جایزه نزدیک به تنظیم شدن میشود،

هدایتگری به تصویر حقیقت بازهم کالیبریزه و شکیل ساختن می شود،

رد اثری که او را پیش گیرنده نشان می دهد در میان زاویه داری طرح بیم آور ، رنجش آور گردانده می شود،

بعد از اینکه مظهر راست و میزانشازی پناه می برد به راندن بی احتیاطانه درخشش آوری.

II 82

Par faim la proye sera loup prisonnier,
L'assaillant hors en extreme detresse :
Vn nay ayant au deuant le dernier,
Le grand n'eschappe au milieu de la presse.

II-82

در اثر گرسنگی ، صید ، گرگ را زندانبان می شود،
هجوم آورنده ، در استرس بسیار زیاد،
تولدی داشتن پیش از بازپسین ،
بزرگمرد از میانه فشارها فرار نمی کند

II 83

Par le traffic du grand Lyon changé
Et la plus-part tourné en pristine ruine.
Proye aux soldats par pille vendangé,
Par lura mont & Sueue bruine.

بخاطر ترافیک ، بزرگمرد دلاور دانا تغییر می کند،
و قسمت اعظم جامعه بطرف مفاهیم پیشین خراب چرخش می یابند،
صید قربانی در میان هجوم غارت برای سربازان محصول چینی می کرده،
در میان قالبی از غل و غش و باران شیرین دلپذیر.(از طرف دجال).

II 84

Entre Champagne, Sienne, Flora, Tustie,
Six mois neuf iours ne pleuura vne goutte :
Estrange langue en terre d'Almatie,
Courira sus, gastant la terre toute,

II-84

اندر طنین ناقوس ، درخشیدن و شکفتن ،
نه تنها یک قطره باران حس شادی آور نمی بارد بلکه گسترده و مشهور می شود ایماء به هتک حرمت ،
زبان نامالوف و ناآشنا در آرایش یافتگی نشانه " سیب " است ،
مردم را می شتاباند به فهم اینکه چگونه آرایش یافتگی نشانه هایی که " همه " را در بر می گیرد خراب کنند.

II 85

Vieux plains de barbe sous le statut seuere
A Lyon fait dessus l'Aigle Celtique :
Le petit grand trop outre perseuere,
Bruit d'armes au ciel, mer rouge Lygustique.

گلایه قدیمی از ملامتباری ناشی از جایگاه والای طاقت فرسا،
از حقیقتی قهرمانانه در اثر تراشکاری و فرم یافتن حقیقت جایگزین شونده اعتقاد قبل،
بزرگمردی که در نظر مردم کوچک است خیلی زیاد از حد ثابت قدم است،
آوای لشگرها از طرح نشانه دار ، استنتاج بیعقلانه غیرمنطقی لیگهای درگیر را از خشم قرمز می کند.

Il 86

Naufrage à classe pres d'onde Hadriatique,

La terre esmeuë sus loir en terre mis :

Egypte tremble augment Mahommetique,

Heraut se rendre à crier est commis.

کشتی شکستگی در نزدیکی موج رازگویی ،

نشانه های آرایش یافته حق دهنده هیجان آور (در تقدیر دنیایی) بر نشانه های آرایش یابنده حق دهنده
که خواب و ساکت است قرار داده می شود،(به کتاب خدا)

دوشیدن و استخراج (معنی جدید کلام خدا)فزونی گرفتن و تقویت پیروان حضرت محمد را به جنبش در می
آورد،

پیام آوری که خودش اعلان و خبر رسانی را با برگرداندن به معنی جدید متعهد شده است.

(رازگو =اسود =سیاه = Hadriatique)

(هر چه که گرد هم آرایش بگیرد سزاوار و خیر و حق بنظر آید =ارض = terre)

(دوشیدن و استخراج =مصر = Egypte)

Il-87 Apres viendra des extremes contrees

Prince Germain sur le throsne doré :

En servitude & par eaux rencontrees

La dame serve, son temps plus n'a duré.

بعد از تقابل بی نهایت زیاد،

شاهزاده با زیبایی هماهنگ و از هر نظر جور شده بر تخت طلایی ،

در خدمت و به هم نشست جوهر معناها ،

مهره وزیر شطرنج ،به مردم خدمت می کند ، وقتش را بیش از این در ایستادگی و تاب آوری نمی گذراند.

Il 88

Le circuit du grand fait ruyneux,

Au nom septiesme le cinquiesme sera :

D'un tiers plus grand l'estrage belliqueux

Mouton, Lutece, Aix garantira.

اداره یافتن حقیقت بزرگ شکل ویرانگری می یابد،

تمایز یافتن (بعنوان برگزیده) از مشخصه هایی که نوشتار دارای دو معنی داده است حاصل خواهد شد،

با تعیین اینکه حق کیست و باطل کیست بر علیه بزرگترین موجود غریبه مهاجم (دجال)،

همانندی زشتروپی و مرداب ساختن را جوهر معناگارانگی می کند.

Il 89

Un iour seront damis les deux grands maistres

Leur grand pouuoir se verra augmenté :

La terre neufue sera en ses hauts estres,

Au sanguinaire, le nombre racompté.

یک روز، دو فرمانروای بزرگ کنترل، در راه نیک ساختن اوضاع همگام می شوند،

توانایی بزرگ آنها افزایش یافته و تقویت خواهد شد،

نشانه های آرایش یافته زیبای جدیدی که ساخته می شوند در جانشین شدن موارد قبلی در موقعیت برتر و بالاتری قرار می گیرند.

از نظر رنگ، شمارندگی دوباره بازشماری و محاسبه می شود.

Il 90

Par vie & mort changé regne d'Hongrie,

La loy sera plus aspre que seruice :

Leur grand cité d'urlemens, plaints & cris,

Castor & Pollux ennemis dans la lice.

بخاطر مرگ و زندگی در سرنوشت قلمرو شوهر کدام شخص بودن تغییر می کند،
قانون قدر و اندازه بیش از آنکه خدمت کند ناگوار می شود،
جایزه و مکافات طبق قانون بازی ، زوزه ها و گلایه ها و ناله زاری را میسازد،
بخش نخست و بعدی دوقلوهای دشمن در گود رقابت و مبارزه هستند.

Il 91

Soleil leuant vn grand feu on verra,

Bruit & clarté vers Aquilon tendant :

Dedans le rond mort & cris on orra,

Par glaïue, feu, faim mort les attendans.

یک رای و حکم و نشانه بزرگ دیده می شود که توسط شمس بالا برده شده است،
همهمه و آوازه آن بلند شدن و شفاف شدن آن در سوی تندباد هراس آور گسترده می شود،
درون چرخه مرگ ، سرایش ها به گوش می رسد،
در میان چینش ها ، نشان و حکم و رای ، اشتیاق مرگ آنها نظاره گر و منتظر خدمت شدن هستند.

Il 92

Feu, couleur d'or du ciel en terre veu,
Frappé du haut n'ay, fait cas merueilleux :
Grand meurtre humain, prinse du grand neveu,
Morts d'expectacles, eschappé l'orgueilleux.

حکم و رای طلایی طرح نشاندار در علائمی که دور هم آرایش گرفته و حق را نمایان می سازند به چشم می آید ،
از بالا تحت ضربه نباید و نشاید که این مورد شگفت انگیز انجام شود قرار می گیرد ،
قتل بزرگ نوع بشر بر نو آوری بزرگ گذاشته می شود ،
مرگهای بودار و هوشیار ساز ، فرد دارای افتخار شده را وادار به گریز می کند.

Il 93

Bien pres du Tymbre presse la Lybitine,
Vn peu deuant grand inondation :
Le chef du nef prins, mis en la sentine,
Chateau, palais en conflagration.

کاملاً نزدیک به مهر شدن ، فرد آزاده تحت فشار است ،
کمی قبل از سرشار شدن بزرگ ،
رهبر کشتی جنگی ، گرفته شده در بشکه آب گذاشته می شود ،
مذاکره رو در رو ، با صراحت در حال شکل گرفتن.

II 94

Gran, Po, grand mal pour Gaulois receura,

Vaine terreur au maritin Lyon :

Peuple infiny par la mer passera,

Sans eschapper vn quart d'vn million.

بذر شپش پاشیدن، بدی بزرگی می رسد برای مردمیکه با قلاب ما می گیرند،
وحشت اندازی پوچ در قالب قهرمان سازی غیرمنطقی و بیعقلانه ،
مردم بسیار زیادی در میان بیعقلی و غفلت ، وا می دهند،
بدون تلاشی برای گریز از این موقعیت با ممانعت از طریق جورکردن نشانه های پی در پی
.

II 95

Les lieux peuplez seront inhabitables,

Pour champs auoir grande diuision :

Regnes liurez à prudens incapables,

Entre les freres mort & dissention.

میدان پر از افراد پرشمار غیر قابل سکونت میشود،
برای کمپ ها تقسیمات بزرگ پیش میاید،
قلمرو توسط افراد محتاط نالایق تحویل داده می شود،
بین افراد طلب و جستجو کننده برای خود ، مرگ است و نفاق

II 96

Flambeau ardant au ciel sera veu,
Pres de la fin & principe du Rosne,
Famine, glaiue, tard le secours pourueu,
La Perse tourne enuahit Macedoine.

مشعلی فروزان در طرح نشاندار دیده می شود،
نزدیک به پایان رساندن و سر رشته جریان بدست گرفتن،
اشتیاق، چیدمان، یاری فراهم شده دیر،
ایران چرخش میابد به حمله به بالا بودن.

II 97

Romain Pontife garde de t'aprocher,
De la cité qui deux fleuves arrouse :
Ton sang viendras aupres de là cracher
Toy & les tiens quand fleurira la rose,

II-97

ای روحانی حکمران دارای درجه مذهبی مواظب و برحذر باش از نزدیک کردن خود،
به قانون پاداشی که دو جریان روشن در آن جاری است،
رنگ و جلای تو نزدیک خواهد شد به پست و ناچیز شدن،
تو و افرادت وقتی هم قافیگی شکوفا شد.

II 98

Celui du sang respers le visage,
De la victime proche sacrifice,
Tonant en leo augure presage,
Mais estre à mort lors pour la fiancée.

او که رنگ، سیمایش را علامت زده،
بعنوان قربانی در نزدیکی قربانی شدن،
طنین تندر قهرمانی در سرنوشت پیشگویی شده، (بعنوان مهدی موعود)،
اما در مرگ بودن مادامیکه بعنوان رنگ سرنوشت دیگران است.

II 99

Terroir Romain qu'interpretoit augure,
Par gent Gauloise par trop sera vexee
Mais nation Celtique craindra l'heure,
Boreas, classe trop loing l'auoir poussee.

تفسیر (کلام خدا) از فردی که مهر در دلش جنبیده و به هوای جدیدی عادت می دهد بعنوان فال بد قلمداد می شود،
بوسیله دستجات با قلاب صید کننده بسیار می رنجد،
اما ملتی که به حکاکی سرنوشت مشغول است از گسستن تقید و اطاعت خود می ترسد،
وزش دلهره آور، کشتی را تا دوردستهای بسیار دور هل می دهد و می راند.

Il 100

Dedans les isles si horrible tumulte,
Rien on n'orra qu'une bellique brigue,
Tant grand sera des prediteurs l'insulte,
Qu'on se viendra ranger à la grand ligue.

از درون غیبت و سخنچینی خروشی توفنده و وحشت زامیاید،
هیچکس جز تلاشی برای برتری طلبی و خود بزرگ کردن در جنگ نمی شنود،
هجوم پیروان پیش بینی ها آنچنان بزرگ است ،
که آنها در یک لیگ بزرگ متحد می شوند